**مصاحبه با MMPrivateKabul180718**

**تاریخ 18 جولای 2018**

**مصاحبه در محل کار**

ک: نقش شما ده شرکت چیست؟

MMPrivateKabul180718: [نام شخص] هستم رهبریت شرکت [نام شرکت] که تولید مربا و ترشی ره داره و تقریبا 10 خانم زیر دست مه کار می کنه. که ده بخش های مختلف هستن. آشپز ما هستن و بخش پکنگ ما هستن و بخش مارکتنگ ما که بچه ها هستن.

ک: شرکت چه تعداد کارگر داره، گفتید 10 نفر؟

MMPrivateKabul180718: اول خو بسیار شرکت خُرد بود. اول ما به [؟] بسیار کم شروع کرده بودیم و باز به تعداد کارمندهای ما 10 نفر اس و همچنان دخترخانم ها ده بخش مارکتنگ ما هم هستن که سه نفر هستن. بعد از این که ما پرودکت ره توزیع می کنیم ده مارکیت آنها ده ستور [store] ها میرن و فیدبک [feedback] می گیرن که آیا از پرودکت ما راضی هستن یا نیستن. اگه مال یا مربا ده ستورها خراب شده باشند باز دوباره ده دفتر گزار میتن ما آنها ره جمع آوری می کنیم و دوباره برایشان روان می کنیم.

ک: شرکت چند وقت میشه که تأسیس شده؟

MMPrivateKabul180718: تقریبا شش ماه پیش شرکت ما تأسیس شده بود. اول ما ده [نامفهوم] بودیم که هنوز فعالیت خوده آغاز نکرده بود. اما حالی تقریبا شش ماه میشه که فعال اس.

ک: شرکت چگونه تولید می کنه؟

MMPrivateKabul180718: فعلا خو شرکت به شکل سنتی پیش میره. فقط یک ماشین پکنگ داریم و یک ماشینی که همو سیب ره توته می کنه. دیگه پختش ره به همو طریقه ی سنتی اس که ده دیگ پخته می کنیم.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی تان چند اس؟

MMPrivateKabul180718: برای ما همین یک بوتل 22 افغانی تمام میشه چون بوتل هایشه از ایران وارد می کنیم، به همو خاطر قیمت ما کمی بلندتر هسته. 12 افغانی تنها همو شیشه یا بوتل خالی اش به ما میرسه. ما 41 افغانی ده بازار فروش داریم.

ک: تولیدات به اساس سفارش اس یا پیش‌تولید دارید؟

MMPrivateKabul180718: شرکت ما قسمی اس که ما تارگت [target] داریم. هر روز شش سیر ره آشپز مسؤل اس که پخته کنه.

ک: شش سیر؟

MMPrivateKabul180718: [بله] شش سیر. باز همو مسؤل پکنگ اس که روزی 200 یا 200 [تکرار 200؟] ره پکنگ کنه. ما ده مارکیت موتر داریم و پُشت هر دکان عمده فروش میریم و توزیع می کنیم.

ک: بیشتر فروشات شما به اساس اوگرایی اس یا نقد؟

MMPrivateKabul180718: زیادتر فروشات ما به قسمت [قسم] اوگرایی اس. نقد بسیار کم میشه. هنوز عمده‌فروش‌ها، چون کمپنی ما نو اس و بعضی شان میگن که ما پول نداریم که [در اصل] شاید اعتبار نکنن و به این خاطر.

ک: معاش کارگر چقدر اس؟

MMPrivateKabul180718: چون می بینید که شرکت ما [نامفهوم – مداخل از طرف مصاحبه کننده] نداره، آشپز ما 8 هزار افغانی معاش داره و دیگه کارمندهای ما [...] بلندترین معاش ما 8 هزار افغانی اس.

ک: دیگه کارمندها چند اس؟

MMPrivateKabul180718: شش هزار، هفت هزار، پنج هزار.

ک: بیشترین ظرفیتی که برای تولید ده یک روز دارید چقدر اس؟

MMPrivateKabul180718: خُب شش سیر ره ما ده روز پخت می کنیم. تقریبا 250 بوتل میشه که ده بوتل پکنگ می کنیم و ده مارکیت عرضه می کنیم.

ک: میتانین از این بیشتر هم تولید کنید؟

MMPrivateKabul180718: فعلا خو امکان این نیس چون یک آشپز ظرفیت نداره که از شش سیر بالاتر پخته کنه. و اگه ماشین آلات بیایه شاید ما ظرفیت تولید خوده بالا ببریم.

ک: پس فعلا ماشین آلات و تأسیسات شرکت، تأسیسات غیرقابل انتقال نداره و شرکت از وسایل ابتدایی استفاده می کنه؟

MMPrivateKabul180718: بله.

ک: شامل اتحادیه ی صنعتی یا تجاری هم اس؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نه. شرکت کاملا شخصی می باشه و از خانم ها اس که همو 12 خانم یا زیادتر زیر دست مه کار می کنه [تأکید بالای نقش خانم ها].

ک: فقط خانم ها کار می کنند؟

MMPrivateKabul180718: ده بخش مارکتنگ ما هم لازم اس که بچه ها هم باشه که مواده انتقال بته [؟]

ک: ده وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟ قبلا چی کار می کردید؟

MMPrivateKabul180718: قبلا مه محصل پوهنتون اقتصاد یا BBA بودم و وقتی که فارغ شدم شش ماه رفتم تریننگ ره دیدم [آموزش دیدم]. بیکار بودم و تجربه ای دیگه نداشتم و یک برنامه برای [نامفهوم] پیدا شد و اونجه رفتم و اولین گام ره ده درس تجارت گذاشتم که همین شرکت سحر ره تأسیس کردم. ده اونجه پلان گذاری کردم باز آمدم شروع کردم.

ک: پس ده حساب فراغت، ده وقتی که کار نیس، شما سابق چی کار می کردید و حالی چی می کنید؟

MMPrivateKabul180718: خُب طبعا دوره ی دانشگاه که اس خوش می گذره و هم درس اس و ده پهلو او همراه دوست ها استن که تفریح میریم و بعضی گپ های دیگه است. زیادتر آدم ده فکر کار نمیباشه. باز داخل عرصه ی تجارت که شدی طبعا همیشه ده پی این هستی که از کدام طریقه شرکت ره پیش ببریی. مثلا زیاد میشه [...] ده دوره ی محصلی بسیار وقت میداشته باشی و به خاطر رفتن به خانه ی دوست ها و لذت بردن از زندگی اما ده دوره تجارت نمیداشته باشی. تقریبا 12 ساعت [...] 24 ساعت ما کار میداشته باشیم یگان وقت.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

MMPrivateKabul180718: بعضی اوقات. روزها جمعه معمولا رخصتی میباشه باز از طرف شب مه مطالعه دارم.

ک: موسیقی

MMPrivateKabul180718: ده واقعیت از همو وقتی که مه تجارت ره شروع کردیم هیچ تلویزیون ره ندیدیم [this is a common theme expressed by most investors that their life has become too busy once they have begun engaging in productive activities. This can be attributed to a too strong tendency for a hands-on approach in the routine activities of the firm, as well as handling its external activities and public relations, sales management, raw material purchase, marketing, market share assessment, etc.; which, in turn, can be attributed to the size of the business (differentiation of task is unwarranted in most firms with 10 to 20 workers) or due to absence of industry-related services (such as marketing firms, transportation services, packaging firms, waste management, accounting firms, financial services, and other basic infrastructure that fall within the domain of public services such electricity, security maintenance, policing, sewage disposal, etc.) the absence of some industry-related services is also mostly because the production firms a) have a small size and cannot afford the services of another company; b) an institutional tradition of “doing-it-all-by-yourself”; c) lack of coordination between various companies; d) survivalist instinct to take charge of all activities from door to door to ensure sales, reduce costs, find off harmful competition, guarantee market share (through face-to-face daily interaction) and to ensure the company’s perpetuation] اما مه زیادتر موسیقی آرام ره می شنوم.

ک: تصویری که شما و مردم از موقعیت مالی شما دارند؟

MMPrivateKabul180718: فعلا اگه وضعیت شرکت ره ببینید که مه ده [طبقه ی] فقیر می آیم.

ک: فقیر یعنی معاش اعضای یک فامیل برای [مخارج] یک ماه کافی نیس؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی. چون مصارف زیادتر اس و فروشات نیس و ظرفیت تولیده [...] از او خاطر ما ده حساب فقیر می آییم.

ک: شما دفتر دارید و [...] هنوز هم به حساب فقیر می آیید؟

MMPrivateKabul180718: نی خو او قدر فقیر هم نی خو متوسط دیگه. قسمی که همو مصارفش زیادتر باشه و عایدش کمتر باشه. چون حالی ما مصارف زیادتر کردیم و همو عایدی که می خواستم به دست نیاورده ایم، از این لحاظ گفتم.

ک: تحصیلات تان ده چی حد اس؟

MMPrivateKabul180718: لیسانس هستم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید [سه گزینه]

MMPrivateKabul180718: مه علاقمند این هستم که کتاب بخوانم یا یک جای دیگه [بروم] تا سواد خوده بلند ببرم.

ک: این منظورم از وقت فراغت بود. نیم ساعت یا یک ساعتی. فعالیتی به خاطر تفریح [منظورم اس]. درست؟

MMPrivateKabul180718: دوباره میشه تکرار کنید؟

ک: [تکرار سه گزینه]

MMPrivateKabul180718: نخیر همراه دوست ها خو زیادتر وقت دارم و می نشینم و وقت ای تفریح داریم. اگه هفته ی یک دفعه شد یا ماهی یک دفعه یا دو ماه بعد همراه دوست های خود چکر میریم. [این] تفریح ها ره داریم.

ک: نقطه شهر؟

MMPrivateKabul180718: ناحیه ی ده چهار قلای وزیر آباد اما دفتر ما ده تایمنی اس.

ک: قبلا هم همونجه بودید؟

MMPrivateKabul180718: قبلا هم همونجه بودم.

ک: اطفال مکتب خصوص یا دولتی؟

MMPrivateKabul180718: مه عروسی نکرده ام.

ک: برای ایجاد شرکت سرمایه ی اولیه: بودجه دولت، قرضه ی بانک، ان.جی.او، اعضای جامعه؟

MMPrivateKabul180718: اول که شرکت ره مه شروع کردم هیچ کسی همراه مه همکاری نکرده. به همو پول شخصی که خودم داشتم و بسیار ناچیز بود، سر همو کار ره شروع کردم. بعدا از بانک قرضه گرفتم پوله. نی کسی با همکاری نکرده.

ک: از بانک قرضه گرفتید؟

MMPrivateKabul180718: درست.

ک: نرخ قرضه چقدر بود؟

MMPrivateKabul180718: ماهانه 5 هزار افغانی می آیه و ما 50 هزار افغانی قرضه گرفتیم.

ک: کدام بانک اس؟

MMPrivateKabul180718: بانک مایکرو finance، یا قرضه های کوچک که به خاطر خانم ها اس که خانم ها ره میتن و بسیار [...] یعنی قرضه ی شخصی گرفته ایم که معاشی که داریم کفایت کنه.

ک: چند موتر دارید؟

MMPrivateKabul180718: فعلا موتر نداریم متأسفانه.

ک: سفر تفریحی هم میرین جایی بیرون از کشور؟

MMPrivateKabul180718: نرفتیم اما تصمیمش ره دارم.

ک: از دوست هایتان یک تصویری بتین؟ بعد از این که وارد کار صنعت شدید تغییری آمده ده این دوست ها؟

MMPrivateKabul180718: مه معمولا همراه کس هایی دوست می باشم که آنها سطح علمیت شان بالاتر اس از مه کده. که از او جمله میشه مشاور صاحب ما ره نام بگیریم که رییس اتصالات هستن و دو [نامفهوم] شخصی دیگه خودشان دارند. بسیار همراه مه همکاری می کنن ده هر عرصه.

ک: منظورم از دوست ها از کس هایی اس که وقتی که فارغ از کار هستید همراهشان چکر زدن می روید و اینها!

MMPrivateKabul180718: دخترخانم ها هستن که از سن و سال خودم هست و آنها فارغ تحصیل هستن. زیادتر تفریح و اینها و رستورانت و جاها میریم.

ک: بعد از این که وارد کار صنعت شدید تغییر آمده ده دوست هایتان؟

MMPrivateKabul180718: زیادتر تغییرات آمده چون وقت زیاد پیدا نمی کنم. زیادترشان ره از دست داده ام.

ک: دیگر دوست هایی پیدا کرده اید؟

MMPrivateKabul180718: طبعا دخترخانم های دیگه هستن که [مثلا] [نام شخص] که ده جی.آی.زید کار می کنن و یک خانم موفق هستن که ده عرصه ی تجارت با خانم ها کمک کنن. [نام شخص] ده یو.ان.دی.پی هستن که آنها هم همراه ما همکاری می کنن. دیگه دوست هایی که واقعا موفق هستن و دوست های ما هستن.

ک: مسایل امنیتی بالای صنعت شما؟

MMPrivateKabul180718: وقتی که تازه این شرکت ره شروع کردم خو طبعا گفتم که دخترخانم هستم و مشکلات ایجاد میشه. از هر لحاظ. اگه موتر نداشته باشی. اگه پول داشته باشی یا نداشته باشی. مسایل امنیتی هستن اما ده پهلو آن هم ما چی نمی گیریم اگه پُشت او زیاد بگردیم خو کار نمیتانیم.

ک: شما قبلا گفتید که از طریق پروژه هایی برای شما کمک میشه. حالی کدام پروژه هایی به شما کمک رسانده؟ به چه شکلی؟

MMPrivateKabul180718: خو فعلا خو هیچ نهادی همراه ما همکاری نکرده اما وعده های خوده به ما داده اند که از او جمله پروموت هسته که فعلا هم همکاری کرده اند. همی کارمندهای ما هستن که از طریق آنها معاش می گیرن. از طریق پروموت. و [نام پروژه] هستن، پروگرامی که همی عرصه های تجارت ره برای ما آموختن.

ک: پس پروموت معاش کارگرها ره میته؟

MMPrivateKabul180718: بله. آنها هم یک همکاری دارند که کارمندهای ما ره معاش میتن.

ک: این طور کدام نهاد دیگری است که کمک برسانه به شرکت به حساب کمک مالی یا قرضه؟

MMPrivateKabul180718: نخیر دیگه کدام نهادی نیسته و ما هم ده جست و جوی این هستیم که نهادی پیدا شوه که همراه ما کمک کنه.

ک: شرکت ده اره مصارف کلان چی رقم تصمیم گیری می کنه؟

MMPrivateKabul180718: جلسه عمومی برگزار میشه و تمام اعضای تیم اشتراک می کنن که از او جمله [نام شخص] هستن که تجربه ی زیادتر دارند [قطع]

ک: کی ببخشید؟

MMPrivateKabul180718: [نام شخص] صیب. آنها کسی هستند که تجربه ی زیادتر دارند ده عرصه ی تجارت. آنها هم می آیند [قطع]

ک: [نام شخص] صیب ده شرکت رییس هستن؟

MMPrivateKabul180718: نی رییس شرکت مه خودم هستم. آنها مشاور هستن و همکار هستن. و از لحاظ سندی [سنی] که بگویید تجربه ی تجارته مه نداریم [قسمی] که آنها دارند. آنها تقریبا تجربه ی 25 تا 30 سال تجربه دارند. و همکاری می کنن.

ک: این گونه جلسات باز ده ماهی چند بار میشه؟

MMPrivateKabul180718: ماهی یک بار برگزار میشه و روزانه [...] و ستوک تولید هفته ی یک دفعه بررسی میشه که آیا همو تارگیتی که ما تعیین کرده بودیم به کارمندها، آیا به همو تارگیت رسیده ایم یا نرسیدیم. چون اگه نرسیدیم به ما نقص اس.

ک: کارگرها دیگه چی امتیاز می گیرند برعلاوه ی معاش؟

MMPrivateKabul180718: خو هر نوع کارمندی که کار زیادتر کنه فیصدی برایشان داده میشه و کس های که ده بخش مارکیت کار میشه برای آنها معایش داده میشه و اگه فروشاته روز به روز بلند بُرد باز فیصدی برایشان داده میشه.

ک: سه وقت نان و [قطع]؟

MMPrivateKabul180718: سه وقت هم داریم اینها و موتر هم دارند. موتر ده دفتر داریم که همگی ره میرسانه. به شکل حمله گرفتیم که از خودم گرفته تا همه کارمندها میرسانه. صبح می آیه و شام میرسانه.

ک: شرکت گرفته؟

MMPrivateKabul180718: بله مربوط شرکت میشه.

ک: این موتر ره باز شرکت خریده؟

MMPrivateKabul180718: نی ما کرایه گرفته ایم قسمی که ماهانه همو موتروانه 15 هزار معاش میتیم. او ما ره میرسانه.

ک: کارگرها شامل کدام اتحادیه ای؟

MMPrivateKabul180718: خُب پروموت که کارمندهای خوده روان می کنه از حقوق آنها اونها دفاع می کنن. روزی که همراه قرارداد داشتن [نامفهوم].

ک: پس این اتحادیه ای نیس؟

MMPrivateKabul180718: نخیر.

ک: کس های که ده تصمیم گیری سهم دارند همه از افغانستان هستن؟

MMPrivateKabul180718: بله همه افغان هستن.

ک: با شرکت های دیگری که ده عین عرصه تولید می کنند شما ارتباط دارید؟

MMPrivateKabul180718: بله. همراه شرکت های دیگری که تولید مربا می کنن، همراه اونها هم داریم. و بعضی روابط دیگه از نگاه دسترسی به بوتل نمیتانستیم ده اول از ایران [...] یکجایی از ایران وارد می کنیم چون شرکت مه تولیداتش او قدر زیاد نیس و ما اگه مستقیم به تماس شویم مگین بیایین خودتان چقدر بوتل می گیرید. این رقم نمیشه. باز ما چندین شرکتی که ده عرصه ی عسل کار می کنن، ده عرصه ی مربا کار مکنن یکجای شدیم و بوتل خوده از آنها می گیریم. ما ماهانه سه هزار یا دو هزار بوتل مصرف داریم. بسیار مصرف ما کم اس فعلا.

ک: باز یک دفعه ای سفارش میتین؟

MMPrivateKabul180718: ها یک دفعه ای 3 هزار بوتل سفارش میتیم و باز.

ک: چه تعداد شرکت اس همین رقم؟

MMPrivateKabul180718: این شرکت ها به حساب تجارت های کوچک می آیند. خانم ها از این رقم زیاد شرکت دارند. چی عسل باشه چی ترشی باشه. تقریبا ده حدود 200 یا 300 شرکت همین قسم اس. اینها ستندرد نیستن. لیبل و این چیزها ندارن. فقط ده همو بوتل های پلاستیکی ده یگان نمایشگاه اشتراک می کنن.

ک: ده خود کابل 200؟

MMPrivateKabul180718: ده خود کابل اس.

ک: رقابت با دیگه شرکت های که ده عین صنعت مصروف هستن؟

MMPrivateKabul180718: زیادتر رقابت بین خود نداریم چون خانم ها هستن. باز به شکل انجمن بین خود [نامفهوم] [مزاحمت – عبور طیاره] که مربا تولید می کنن و داخل افغانستان میشه و از این لحاظ پرودکت ما [قطع]

ک: شانا [نام تولید]؟

MMPrivateKabul180718: بله. مربای ایرانی اس که زیادتر داخل افغانستان میشه و ما نمتیانیم که همی پرودکت خوده [...] زیادتر مارکیت برایش پیدا کنیم. قسمی که یک تجربه ای مه داشتم ده ماه مبارک رمضان ده افغانستان معمولا رواج اس که به قسمت سنتی روزه ی خوده افطار می کنن. فروش مربا فصلش همو وقت اس. ما گرفتیم بسته به تمام عمده فروش ها به رایگان دادیم. اما شانا چون بزرگتر اس آنها یک یک یخچال برایشان دادن [به دکان ها دادن]. و کمپنی ما ره خُرد دادند. همین مشکلات زیاد اس که خانم های که کوشش می کنن تجارت کنن و برسند به جایی اما نمی رسند. پیش از رسیدن غرق میشن. این تجربه ره مه خودم داشتم.

ک: از این رقم تجارب دیگه چی وقت هایی بوده برعلاوه ی شانا دیگه تولیداتی هم اس که رقابت کنه همراه تولیدات شما؟

MMPrivateKabul180718: بله. تامینا اس. کلش ایرانی هستن. چندین مربا هستن که خوش مزه استن. کمپنی های بزرگ هستن. اونها چون ده داخل بوتل خودشان تولید می کنن ممکن که بوتل برایشان 1 افغانی تمام شوه. اما ما 12 افغانی وارد می کنیم. برای ما تمام مصرف ما فروش بوتل ارزش داره. امکان داریم که ما قیمت های خوده پایین کنیم نسبت به آنها. آنها بیخی [باز قیمت] مربای خوده پایین می آورند و به قیمت فروش بوتل تولیده خوده داخل افغانستان می کنن. که از این عرصه ما نگران اس که چی قسم شرکت ما پیش بره چون [نامفهوم] تنها فروش بوتل برایشان ارزش داره [مصرف داره] و مربا ارزش نداره [تولیدش مصرف نداره].

ک: در این عرصه از دولت کمک خواسته اید؟

MMPrivateKabul180718: ما کدام جلسه همراه دولت نداشته ایم. و جایی هم نرفته ایم.

ک: همراه نهادهای دولتی هیچ ارتباط ندارید؟

MMPrivateKabul180718: ارتباط نداریم. تنها همراه جی.آی.زید گپ زدیم و آنها زیاد همراه ما همکاری کردن. یگانه کمپنی اس که ده افغانستان همراه ما زیاد همکاری کردند ده عرصه ی تجارت خانم ها. برای ما تریننگ دادند. تریننگ پخت مربا ره و ترینر خواستن از تاجیکستان و این کارها ره به ما انجام دادند. و ما یک مشکل دیگر ره هم داریم که ما فورمول درست و ستندرد یک کمپنی ره نداریم. فورمول صنعتی اش ره. ده صدد این هستیم که یک ترینر باشه که همو فورمول صنعتی اش ره برای ما یاد بته که ما تولیدات خوده بیشتر کنیم. وقتی که ماشین ها اگه بیایه ما [نامفهوم] داشتیم دوباره مواجه نشیم.

ک: قبل از ایجاد این شرکت کدام نهادی به شما، شما حتما لایسنس گرفتید، کدام نهادی به شما گفت که ما ده این زمینه، اگه شما تولید مربا می خواهید بکنید، این معلوماتی اس که شما لازم دارید، این شرایط مارکیت اس. رقابت به این شکل اس. کدام نهاد دولتی به شما این معلومات ره داد؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی. نهاد دولت به ما معلومات نداد. منتها یگانه شرکت شخصی که [نام شرکت] است که یک پروگرام اس که ما ده همونجه درس خوانده بودیم سر بزنس پلان و بزنس مودل ره همراه ما کار کرده بود. دیگه همراه نهادهای دولتی ما ارتباط نداشتیم.

ک: نهادهای عام المنفعه، شورای محلی، مردم محل، از شما یا به شما کمک خواسته یا داده باشند؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی. او قسم چیز، نهادها مه پول دریافت نکردیم. و از مه هم پول نخواسته اند. فقط مه خودم در تلاش این هستم که بیرون از تجارت زیادتر به خانم های که غریب باشن و بدون سرپرست باشن همراهشان همکاری داشتیم. که ده او عرصه ما وولنتیر [volunteer] همراهشان همکاری کرده ایم، از طریق همین شرکت های که شناخت داشتیم یا کارهای که علاقمند ده این عرصه بوده اند. ما همکاری کرده ایم. مثلا از این قبیل یک خانمی که بچه اش گوشش کر بود او ره برای تداوی از طریق جی.آی.زید روان کردیم. از طریق روابط شخصی و دوست ها. [ازیشان خواستم] که اگه شما همکاری میتانین و باز آنها گفتن که [...] زیادتر علاقمند این کارها هستم. کارهای خدمتی به جامعه.

ک: ده همین مدتی که فعال بوده [نام شرکت] اون طور وقتی شده که شما فکر کرده باشید که شرکت از لحاظ مالی دیگه باصرفه نیس و از لحاظ مالی پیشبردش ممکن نیس و خواسته باشید دروازه اش ره ببندید؟

MMPrivateKabul180718: چندین دفعه مه این فکر ره کرده ام. چون مربایی که ما تولید می کنیم از 8 ماه زیادتر نگاه نمیشه. قبلا گفتم که ما فورمول صنعتی اش ره نداریم و ما به شکل طبیعی تولید می کنیم. مربا وقتی که خراب میشه دخترخانم ها دلشان نازک اس و فکر می کنن که ما این ره پیش برده نمیتانیم، با مشکلات رو به رو میشیم. با آنهم ایستادگی از خود نشان دادیم باز ببنیم که چی میشه. آیا پیش برده میتانیم یا نمیتانم.

ک: چی امیدواری وجود داره که بتانین پیش ببرین؟

MMPrivateKabul180718: اگه نهادهایی [...] مثلا جی.آی.زید به ما وعده داده اند که ما برای شما ترینر می آوریم. دوباره ترینر می خواهیم. و ماشینری هم همکاری می کنیم. ببینیم که پروموت هم این وعده ره داده. که کدامشان عملی می کنن. اگه آنها همکاری نکنن طبعا شرکت بسته میشه چون ما نمیتانیم نی. اگه همکاری خوده بکنن ادامه پیدا می کنه و همین 10 یا 12 خانمی که زیر دست ما کار می کنن، برای همیشه کار خواهند کرد. اگه کمک آنها نباشه دیگه طبعا ما نمیتانیم [...] فورمول صنعتی او ره که پیدا نتانیم از توان ما بالا اس. به ما نقص زیادتر میایه.

ک: این ره به شما وعده داده اند که فورمول صنعتی اش ره به شما می آورند؟

MMPrivateKabul180718: آنها گفته اند که ما کوشش نهایی خوده می کنیم.

ک: بازاریابی و فروشات بیشتر ده کدام شهر؟

MMPrivateKabul180718: بیشتر ده شهر کابل اس.

ک: آخرین باری که بالای توسعه ی شرکت پول مصرف کردید کی بود؟

MMPrivateKabul180718: تقریبا سه روز پیش. به حساب فرنیچر و بعضی وسایل دیگه بودند که مثلا گاز و این چیزها.

ک: چیزهای که مستقیم به تولید به درد بخوره.

MMPrivateKabul180718: ها. همین چیزها. ماشینری پکنگ و فردا تصمیم داریم که وسایل اولیه مثلا سیب و [نامفهوم] که خریده شوند که یک تریننگ دارم ده دفتر.

ک: برعلاوه ی مواد خام چیزهای مثل ماشین و فرض کنیم یک خانه ساخته باشید یا زمین گرفته باشید؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی. تنها وسایل دفتر و وسایل پخت و این چیزها. که گاز و دیگ و ماشین پکنگ و وسایل اولیه.

ک: مفاد شما از یک بوتل مربا چند اس؟

MMPrivateKabul180718: ده حدود 3 افغانی یا 2 افغانی یا 5 افغانی، نظر به [...] اگه [نامفهوم] 5 افغانی فایده می گیریم. اگه به [نامفهوم] 2 افغانی یا 3 افغانی.

ک: پیشتر شما گفتید که ده حدود 20 یا 21 افغانی مصرف بوتل می آیه؟

MMPrivateKabul180718: نی 12 افغانی مصرف بوتل می آیه. و مربای که داخل بوتل میشه، مصرف کلی ده حدود 21 افغانی یا 22 افغانی میشه. باز کرایه موتر و کرایه ی تعمیر و این چیزها [که علاوه شوه] زیاد فایده به ما نمیمانه. مصارف چاشت و اینها.

ک: باز ده یک روز چند بوتل میتانین به فروش برسانین؟

MMPrivateKabul180718: اگه مارکیت ما خوبتر باشه ده یک روز صد بوتل ره هم میشه. بعضی وقت ها امکان داره که یک و نیم صد بوتل هم میشه. او نظر به مارکیت اس.

ک: شرکت چگونه میتانه کارشه ادامه بته در صورتی که مفادش 100 افغانی ده روزی اس؟

MMPrivateKabul180718: خُب فعلا خو همین مشکلاته داریم [...] و ده آینده اگه ماشینری بیایه شاید زیادتر شوه. شاید تولید ما زیادتر شوه.

ک: از این جمع کدامیک ده بین شاگردها: از محل، خویش و اقارب، اعضای فامیل، همولایتی و هم قومی؟

MMPrivateKabul180718: از اعضای فامیل هیچ کسی نیس چون کارمندها را پروموت برای مه روان کردن، آنلاین انتخاب میشه، باز انتریو ده دفتر گرفته میشه و نظر به لیاقت استخدام میشه.

ک: پروموت روان کرده کلا؟

MMPrivateKabul180718: کلان پروموت روان کرده. چون شرکت ما گفتیم که 100 افغانی فایده داره به این معنا اس [از این لحاظ] کارمندها ره معاش داده نمیتانیم. پروموت روان کرده کارمندها ره.

ک: کرایه ی خانه ره چی، پروموت کمک کرده ؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی. خانه ره ما خود ما کرایه میتیم.

ک: کرایه ی حمله و اینها؟

MMPrivateKabul180718: او هم مصرفش سر ما است.

ک: ارزش سرمایه ی غیرقابل انتقال شما، چیزی دارید که غیرقابل انتقال باشه، مثل یک ماشین [تولیدی] بسیار کلان یا یک زمین بسیار کلان و اینها؟

MMPrivateKabul180718: نخیر این قسم چیزی نداریم.

ک: تولید ده گدام باقی مانده باشه؟

MMPrivateKabul180718: ده فصل زمستان شده. که ما تقریبا 8 سطل مربا داشتیم. بوتل برای ما واردش بند شد. از همونها 3 سطل یا 4 سطلش خراب شد و دیگرش ره ده بازار عرضه کردیم.

ک: فقط همو یک مورد؟

MMPrivateKabul180718: همو یک مورد بوده.

ک: بیشتر پس شما به اساس اوگرایی می فروشید؟

MMPrivateKabul180718: بله ها.

ک: بازاریابی تان به چی شکل اس؟ رو به رو یا انترنت و تلیفون؟

MMPrivateKabul180718: بازاریابی ما دو قسم داریم. ده ماه اول که ما شروع کردیم به هر دکان می رفتیم که این پرودکت ره ما داریم از این استفاده می کنید؟ باز آنها به ما سفارش می دادند که 2 بسته یا 3 بسته بتین به ما. وقتی که یک ماه گذشت ما یک موتر گرفتیم. و تولیدات ما ده موتر به دکان می رفتن و همراهشان گپ میزدند و پرودکت ما ره پایین می کردن.

ک: پس رو در روی اس بیشتر؟

MMPrivateKabul180718: بله. رو در روی اس.

ک: نو آوری؟

MMPrivateKabul180718: خوب یک قسمی برندنگ است. ما که [نام پروژه] که درس خواندیم ما که لیبل ره جور می کنیم 3 هزار یا 4 هزار دانه برایشان فرمایش میتیم. به زودترین وقت نمیتانیم تغییر و تبدیل بیاریم.

ک: این لیبل ره ده کجا فرمایش میتین؟

MMPrivateKabul180718: ده افغانستان اس یک شرکت به نام [نام شرکت]. باز اینها لیبل های ما ره تولید می کنن و نمیشه که زود تغییرات آورده شوه چون برندنگ ما تغییر می خوره و باز مجبور میشیم لیبل ره دیزاین کنیم.

ک: پس از اول تا به حال به همین یک شکل تولیداتان عرضه شده؟

MMPrivateKabul180718: بله.

ک: حد اوسط چند ساعت ده روزی؟

MMPrivateKabul180718: 8 ساعت یا 9 ساعت.

ک: کارگرها چند ساعت؟

MMPrivateKabul180718: کارگرها معمولا همو شش سیر که پخت می کنن، کارشان ختم میشه. و بعد از این که پر کردن ده بوتل ها. و بخش پکنگ [قطع]

ک: همین معمولا چند ساعته در بر می گیره؟

MMPrivateKabul180718: از ساعت 8 که حاضری شان اس تا وقتی که دیگه بیاندازن، تا ساعت 9 و نیم یک دیگ آماده میشه. ده عین زمان اگه گاز داشته باشیم دو دیگ آماده میشه. چهار سیر پخته میشه. 4 سیر دیگیش یا 2 سیر دیگیش بعد از ظهر پخت میشه. بعد از این که پر کردن کارشان تمام میشه. تا ساعت های سه و نیم یا چهار کارشان تمام میشه.

ک: ده کدام عرصه ی غیر تولیدی از درآمد شرکت سرمایه گذاری کرده اید؟

MMPrivateKabul180718: نخیر نی.

ک: انگیزه ی شما که چرا بخش صنعت ره انتخاب کردید؟ چرا همین صنعت؟

MMPrivateKabul180718: یکی خو مه طرف خانم هایی میدیدم که آنها تحصیل نکرده بودند و به خانه کاری میرفتن، به صفایی خانه ها. و دیگه این که وقتی که میوه هایشان به فروش نمیرسید، و ده داخل کراچی خراب میشه، مه فکر کردم که مه باید یک کاری بکنم که به اینها همکاری شوه. همو کس های که سواد نداره ده کار استخدام شون. و میوه های افغانستان که هستن خراب نشن. که مربا جور شون ده فصلش. مثلا فصل زردک. یک دو ماه پیش زردک بسیار ارزان بود. کسی نمی گرفت. اگه از او ما مربا جور کنیم تا هشت ماه دیگه میتانیم زردک خوده نگاه کنیم. همین رقم آلو بالو داریم که فصلش اس.

ک: برعلاوه ی جنبه ی اخلاقی اش. انگیزه ی مالی اش چی بود؟

MMPrivateKabul180718: طبعا یک تاجر از کار تجارت آرزو داره که برایش مفاد برسه.

ک: چرا اما ده بخش مربا و چرا ده یک بخش دیگه نی؟

MMPrivateKabul180718: خُب علاقمندی همین طور شد که ده اینجه برابر شدم. ده بخش دیگه تصمیم دارم ده آینده. برای ما شرایط ده اینجه بیشتر مهیا بوده که این بخش ره شروع کردیم. چون از سرمایه ی کم شروع کردیم. او قدر پول زیاد نداشتم که ده یک بخش دیگه سرمایه گذاری کنم.

ک: کسی برای شما معلومات داده ده بخش تولید مربا؟

MMPrivateKabul180718: بله. مه قبلا تریننگ دیدم که چی رقم مربا پخت کنم. که صحی باشه و چه قسم پروسس شوه. تربیه جی.آی.زید ره دیدم. بعد از این که همین تریننگ ره دیدم علاقمند این شدم که مه باید شرکت مربا ایجاد کنم.

ک: این تریننگ ره کی [قط]

MMPrivateKabul180718: این تریننگ قسمی است که دو ماه بعد یا سه ماه بعد ما ره دعوت می کنن باز ما ده وزارت زراعت یا بادام باغ میریم عملی پخت می کنیم و باز همو ترینر ما می بینه. باز دوباره ارزیابی میشیم. باز 20 روز بعد به ما میگن که ده دفاتر تان، انجمن هایتان مربا پخته کنید و برای ما بیاورید که ما تست کنیم. این دوامدار اس.

ک: این از طرف جی.آی.زید اس؟

MMPrivateKabul180718: بله.

ک: تشکر!

MMPrivateKabul180718: خواهش می کنم!